



بررسی جلوه های طبیعت در اشعار خاقانی

امیر وفائی

آموزش و پرورش شهرستان میاندوآب

چکیده

افضل الدین بدیل، خاقانی شروانی (۵۹۵-۵۲۰ هـ)، بی تردید یکی از قله های رفیع شعر فارسی است. استفاده از دانسته های خود، در زمینه های گوناگون علمی، در اشعار خود و در پهنه ی شعر فارسی از او شاعری دیر آشنا ساخته است. اصطلاحات نجومی، کلامی، فلسفی، طبی، دینی، فقهی و بسیاری دیگر در شعر خاقانی به وفور یافت می شود. او با تمام اصطلاحات گوناگون علمی، تصاویر بدیع و جالب توجه ساخته است. صرف نظر از علوم گوناگون تصاویر گل ها و گیاهان در اشعار خاقانی فراوانی به دید می آید. به همین منظور در این پژوهش به تفصیل به یکایک گل ها و گیاهان و نیز تصاویر گوناگون خاقانی از آنها پرداخته شده است. کلید واژه: خاقانی، شعر، جلوه های طبیعت

مقدمه

افضل الدین بدیل بن علی نجار، خاقانی شروانی، در سال ۵۲۰ هـ.ق. چشم به جهان گشود. وی یکی از شعرای بنام قرن ۶ هـ.ق در ادب فارسی است. آثار وی شامل دیوان اشعار، تحفه العراقین، منشآت و مثنوی ختم الغرائب است. خاقانی دارای نیروی خلق و ابداع است و ترکیبات تازه و بدیع ساخته و موضوعاتی تازه در شعر آورده که پیش از او در شعر دیگران نیامده است. از آنجا که قصاید این شاعر مشحون از لفاظی و تصویرگری و مضمون پردازی ویژه ی او است و با توجه به کاربرد فراوان گل و گیاه در این قصاید و نقش آنها بر تصویرسازی شاعر، کاربردهای دارویی و نمادهای گوناگون هر یک از آنها، از این رو می خواهیم در این پژوهش جلوه های گل و گیاه را در شعر خاقانی بررسی کنیم. در این تحقیق سعی می شود به بررسی و تحلیل هر یک از آنها در زمینه های یاد شده (ایماژهای بدیعی نماد، کاربردهای پزشکی، اسطوره ای و ...) همراه با ارائه تصاویری از آنها پرداخته شود. امید است با توجه به پیچیدگی های زبان خاقانی، این پژوهش کمکی باشد برای علاقه مندان زبان و ادبیات فارسی و به ویژه دانشجویانی که به دریافت مفاهیم شعر خاقانی علاقمندند.

سؤال های تحقیق:

- ۱- خاقانی با توجه به کاربرد فراوان گل ها و گیاهان در قصایدش چه تصاویر و ایماژهای بدیعی را آفریده است؟
- ۲- شناخت گل و گیاه در دیوان خاقانی چه کمکی به درک اشعارش می کند؟
- ۳- بسامد کدام یک از گلها و گیاهان در دیوان خاقانی بیشتر است؟



۴- توجه خاقانی به زیبایی گل و گیاه بیشتر است یا خواص آن‌ها؟

فرضیه‌های تحقیق:

- ۱- به نظر می‌رسد؛ خاقانی با توجه به کاربرد گلها و گیاهان در قصایدش، تصاویر و ایماژهای بدیعی آفریده است.
- ۲- به نظر می‌رسد؛ برخی از گل‌ها و گیاهان در قصاید خاقانی از بسامد بالایی برخوردار باشد.
- ۳- به نظر می‌رسد؛ خاقانی از تصاویر گل‌ها و گیاهان بیشتر به منظور خواص پزشکی و اسطوره‌ای استفاده می‌کند و در مرحله‌ی دوم به خوشه‌های خیال نیز می‌پردازد.

اهداف تحقیق:

- ۱- کمک به شناخت بهتر گل‌ها و گیاهان که مبحث عمده‌ی ادبیات است.
- ۲- کمک به شناخت هر چه بهتر اشعار خاقانی در قصاید این شاعر.
- ۳- شناخت بهتر تصویرسازی‌های خاقانی با گل‌ها و گیاهان.
- ۴- شناخت میزان روحیات خاقانی و اطلاعات او در مورد گل‌ها و گیاهان.

پیشینه تحقیق:

از آن جایی که این پژوهش در ارتباط با بررسی و کاربرد گل و گیاه در قصاید بلند خاقانی است به بررسی کتب مختلف و شروحي که بر اشعار خاقانی نوشته شده پرداختیم و نتایج حاصل از آن را به شرح ذیل آورده‌ایم:

۱- تصحیح‌های دیوان خاقانی:

سید ضیاءالدین سجادی در مقدمه‌ی تصحیح دیوان خاقانی آورده‌اند که فهم اغلب اشعار مبتنی بر داشتن مقدمات علمی و آشنا بودن به اصطلاحات نجوم، طب، کشاورزی و سایر علوم است. وی در قسمت تعلیقات به شرح برخی از ابیات دشوار پرداخته و تعدادی از گیاهان ناشناخته از جمله زریز، درمنه و بهمن را توضیح داده‌اند. ایشان در توضیح کرفس خاصیت آن را که اگر کژدم زده آن را بخورد هلاک شود، آورده است یا نشره؛ بفتح به معنی آنچه که با زعفران و غیره روی تخته‌ی اطفال نویسند نیز ذکر کرده‌اند.

میر جلال‌الدین کزازی در مقدمه‌ی تصحیح دیوان خویش، مانند آقای سجادی به مقدمات نپرداخته و مستقیم به سراغ قصاید رفته است اما در عوض در کتاب گزارش دشوارپه‌های خاقانی با دقت و نکته‌سنجی خاص خود به ذکر ابیات دشواری که در دیوان قصاید با علامت ستاره مشخص شده پرداخته است و علوم مختلف و جلوه‌های طبیعت، از جمله گل‌ها و گیاهانی که در لابه‌لای ابیات قصاید وی آمده است، با شرح صنعت‌های ادبی هر یک، ذکر کرده است.



عبدالرسولی در مقدمه‌ی تصحیح دیوان خاقانی، به شرح حال زندگی خاقانی و این که فلسفه و طب و حساب و هیأت را در نزد عمویش آموخته پرداخته است. وی به این مطلب اشاره کرده که خاقانی معانی و بیان و فقه را نزد پسر عمویش وحیدالدین آموخته و صنایع شعر و علوم ادبیه را نیز نزد ابوالعلاء تکمیل کرده است.

۲- کتاب‌ها

سخن و سخنوران:

بدیع الزمان فروزانفر در این کتاب علت پوشیدگی آراء و افکار خاقانی را احاطه‌ی وی بر لغات فارسی و عربی و اصطلاحات فلسفی و آگاهی وی بر علم پزشکی، بیان کرده است.

از نثری تا نثریاً

این کتاب اثر عباس ماهیار است که به مسائل نجومی پرداخته و چند نمونه‌ی انگشت شمار از ابیات مربوط به آنها را ذکر کرده است. البته چون کار این پایان‌نامه در حیطه‌ی نجوم و مسائل مربوط به آن نمی‌شود بیشتر از این به آن کتاب پرداخته نشده است.

نگاهی به دنیای خاقانی

این کتاب اثر معصومه‌ی معدن‌کن است که در سه جلد تدوین شده است. در بخش مختصری از این کتاب سه جلدی قسمتی به گل‌ها و گیاهانی که در قصاید خاقانی آمده و به خصوصیات دارویی بعضی از آنها به طور اختصار پرداخته است البته در این اثر علاوه بر موضوع مربوط به گل و گیاه مضامین دیگری از جمله نجوم، طب، آلات موسیقی، انواع بیماری‌ها و ... آمده که در سه جلد جای دارد و در جلد اول آن مختصری در مورد القاب و زندگی و سفرهای شاعر و ... بحث شده است.

گل و گیاه در هزار سال شعر فارسی

این کتاب اثر آقای بهرام گرامی - دکترای ژنتیک و گیاه‌شناسی - است با مقدمه‌ی ایرج افشار. در این کتاب به بررسی آثار حدود صد و اندی از شاعران از رودکی تا حافظ پرداخته شده و چند جایی نیز از خاقانی یاد شده است اما زمینه‌ی اصلی کار این کتاب به بررسی گل و گیاه در دیوان حافظ پرداخته است. بهرام گرامی ابتدا ویژگی‌های طبیعی گیاه را با توجه به تخصص خودش آورده است، سپس شاهد مثال‌هایی را از دیگر شاعران آورده است. پس از آن به بررسی گل و گیاه‌های یافته شده در اشعار حافظ پرداخته است.

تصویرهای زیبا در اشعار خاقانی

سید علی اردلان در این کتاب به تصاویر و تشبیهات خاقانی اشاره کرده از جمله اصطلاحات فلکی و پزشکی و موسیقی. به عنوان مثال در قسمت پزشکی در مورد صرع سه بیت را آورده است و چند بیت را نیز در مورد تب و مفرح و عقاقیر عنوان کرده است.



البته در مورد آنها توضیح کامل را نیاورده است بلکه فقط نمونه‌ها را آورده و تصویرسازی را بیان کرده است.

سبک شناسی شعر

این کتاب که اثر سیروس شمیسا است به مختصات ادبی شعر سبک آذربایجان و فضل و برتری نمایی و علوم مختلف و عقاید عامیانه در زمینه‌ی طب و نجوم و ... پرداخته است. وی در این کتاب بیان کرده که اشعار خاقانی با داشتن ویژگی‌های سبکی خاص خود، به نحوی محتاج به شرح و تفسیر است.

۳- گزیده

خاقانی شروانی، حیات، زمان و محیط او

اثر غفار کندلی هریسچی است. وی اشارات اندکی را در شرح قصاید خاقانی، آورده است. مثلاً در موردعودالصلیب آورده که گیاهی است از جمله‌ی گیاهان دارویی که بریده‌ی ساقه‌ی آن به شکل صلیب است.

گزیده اشعار خاقانی

این گزیده توسط عباس ماهیار، تدوین شده؛ که در مقدمه علل دشواری اشعار خاقانی را بهره‌گیری وی از اطلاعات علمی عنوان کرده است. وی با آگاهی از علوم زمانه، از جمله؛ فلسفه و علوم و نجوم و پزشکی و قرآن و حدیث اشاره کرده و به طور مختصری در شرح ابیات به این مطالب پرداخته است. به طور کلی می‌توان در لابه‌لای هر یک از کتاب‌ها و گزیده‌های ذکر شده، تعدادی از ابیاتی را که در آن گل و گیاه آمده است، مشاهده کرد. اما تاکنون پژوهشی که به طور انحصاری و خاص در زمینه‌ی گل و گیاه در قصاید این شاعر انجام گرفته باشد، صورت نگرفته است و در مواردی از پایان‌نامه‌ها و مقاله‌هایی که به خاقانی پرداخته شده به کاربردهای هنری خاقانی در زمینه‌های دیگر توجه شده است.

۱-۶. جامعه آماری

جامعه آماری در این پژوهش کل قصاید خاقانی است. برای این منظور از دیوان خاقانی تصحیح میرجلال‌الدین کزازی استفاده شده است که شامل ۱۳۰ قصیده است. توجه به تلفظ درست واژه‌ها، حرکت‌گذاری در مواقع ضروری، کمک به روان‌خوانی ابیات، در دسترس داشتن تصحیحات پیشین و توجه به آن از مهمترین دلایل ترجیح و انتخاب این تصحیح از دیوان خاقانی می‌باشد.



۷-۱. روش کار و ابزار تحقیق

نوع روش تحقیق در این پژوهش؛ توصیفی - تحلیلی است که با گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای صورت گرفته است. ابزار گردآوری اطلاعات در این پایان‌نامه فیش و جدول است که پس از رسم نمودار، درصدهای مربوط به هر یک از آنها مشخص شده است. (روش کار و بخش‌های این پایان‌نامه به تفصیل در مقدمه ذکر شده است).

عکس‌های مربوط به این پایان‌نامه از کتاب «گل کاری عملی»، تألیف «غلامرضا وزیری الهی» استخراج شده است. این کتاب یکی از منابع کتابخانه‌ی دانشکده‌ی کشاورزی دانشگاه آزاد اسلامی سنندج است. که با مراجعه به این دانشکده، توسط دوربین از آنها عکس‌برداری شده، سپس با ذخیره‌سازی در کامپیوتر، در کادری که در ذیل توضیحات مربوط به هر یک از گل‌ها و گیاهان قرار دارد، عکس‌ها قرار گرفته است.

پس از اتمام کار در این تحقیق تمام اسامی مربوط به اشخاص و مکان‌ها، جمع‌آوری شده و به عنوان نمایه همراه شماره‌ی صفحه‌ی هر یک، در آخر، ذکر شده است.

۸-۱. زندگی‌نامه و آثار خاقانی:

نام شاعر:

«افضل الدین بدیل بن علی شروانی متخلص به خاقانی، از جمله بزرگترین قصیده سرایان تاریخ شعر و ادب فارسی به شمار می‌آید. ولادت او را در سال ۵۲۰ هـ.ق. در شروان دانسته‌اند»^۱.

«شاعر شروان پس از آخرین سفرش به مکه در سال ۵۶۹ هـ.ق. به سبب مرگ فرزند و رنج زندگی گوشه‌گیری اختیار کرده و در «تبریز» در سال ۵۹۵ هـ.ق. وفات می‌یابد، او را در کوی سرخاب تبریز در قبرستانی که «مقبره الشعرا» نام یافته است؛ در کنار تنی چند از نام‌آوران سخن به خاک سپرده‌اند»^۲.

زندگی خاقانی:

پدر خاقانی به نام علی در شروان به شغل درودگری، اشتغال داشت، آنگاه که جان به جان آفرین تسلیم کرد عمویش به نام کافی الدین عمر، به شغل داروگری (یعنی عطاری که آن زمان پزشک و داروشناس هم محسوب شده) اشتغال داشت. وی که ظاهراً در فقه، ادبیات و به ویژه در نویسندگی دستی داشت، در تربیت و آموزش برادر زاده‌ی خود (خاقانی)، کوشش فراوان به عمل آورد. خاقانی در دیوان اشعارش به کرات از او یاد کرده است.

مرگ کافی الدین عمر، خاقانی را عمیقاً متأثر می‌نماید. او به همین مناسبت و به منظور بزرگداشت وی، چندین قصیده و مراثی سروده است، از دیگر وقایع زندگی خاقانی مرگ فرزندش «رشید» در سن ۲۰ سالگی است. اشعاری نیز در این رابطه سروده است.

۱. سجادی، ضیاءالدین، گزیده‌ی اشعار خاقانی، تهران، ۱۳۷۳، ص ۱۱.

۲. کزازی، میرجلال‌الدین، رخسار صبح، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۲ ص ۷، نیز: فروزانفر، بدیع‌الزمان، سخن و سخنوران، چاپ چهارم، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۸ هـ.ش. ص ۶۳۰.



خاقانی بدون شک یکی از بلند پایه‌ترین شاعران پارسی و از جمله ادیبانی است که دیوان اشعارش مورد اقتباس شاعران دیگر قرار گرفته است. حتی شاعران بلند پایه‌ای مانند سعدی و حافظ، بسیاری از ابداعات و مضامین او را استقبال و تضمین نموده‌اند.

دیوان خاقانی یکی از پیچیده‌ترین دیوان‌هاست به همین سبب همواره در بین عامه مردم، از توجه کمتری برخوردار بوده است چون هم فهم درست و لذت بردن از اشعارش نیاز به سطح بسیار بالایی از چیرگی به زبان پارسی و با دیگر دانش‌ها از جمله پزشکی کهن ایران که مبتنی بر مبنای گیاه‌شناسی و داروشناسی است تلفیق گشته؛ و هم اینکه خواننده باید با شعر پارسی از دیدگاه فنی و به اصطلاح «صنعت شعر» به حد کافی، مطلع باشد تا بتواند به اشعار پر مغز خاقانی به درستی پی ببرد.

خاقانی یکی از شاعران کلاسیک ایران است که بعضی از آثارش بازتاب صادقانه‌ی زندگی و اقلیم واقعی اوست. بعضی از قطعات و قصیده‌های خاقانی، بازگو کننده‌ی رخدادها و اتفاقات واقعی زندگی شاعر هستند. از این رو، با وجود این که سبک شعر خاقانی مصنوع و متکلفانه است. باز هم خواننده‌ی آشنا با اشعار خاقانی، بدون شک با بسیاری از خصوصیات زندگی شاعر، ویژگی‌های اخلاقی، احساسات واقعی و به طور کلی با شاعر از دیدگاه روانشناسی و جامعه‌شناسی زمان وی آگاه می‌گردد.

خاقانی در جای جای دیوان خود، به حوادث مهم تاریخی، که در سراسر زندگی وی رخ داده و همچنین به بسیاری از مسائل مهم دیگر، اشاراتی کرده است که از بررسی آنها، می‌توان با جنبه‌های مهمی از زندگی و عصر او آشنا شد. خاقانی در سال ۵۲۰ هـ.ق در شروان از شهرهای آذربایجان متولد شده و همان جا زیسته و به دربار منوچهر بن فریدون و پسرش اخستان از شروانشاهان منسوب بوده است.^۱

«از سده چهارم هجری به بعد، «شروان» از نظر سیاسی و اجتماعی، پایگاه ویژه‌ی یافت.^۲ و سلاطینی بر آن شهر حکومت می‌کردند که برخی از آنان در زندگانی و سرنوشت خاقانی، سهمی بسزا داشتند. از جمله این سلاطین «خاقان اکبر ابوالهیجا فخرالدین منوچهر بن فریدون شروانشاه» است که خاقانی در آغاز عمر و ابتدای مدیحه سرایی به وساطت ابوالعلای گنجوی، استاد خود، به دربار وی راه یافت.^۳ در این هنگام خاقانی نزد منوچهر شاه (بین سنه ۵۵۰-۵۴۰ هـ.ق)، از عزت و احترامی خاص برخوردار بود.

آثار خاقانی:

۱. خرمشاهی، بهاء‌الدین، حافظ نامه، شرح الفاظ، اعلام، مفاهیم کلیدی در ابیات دشوار حافظ، بخش اول، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۳.

۲. محمودی بختیاری، علی قلی: خاقانی در ایوان مدائن؛ انتشارات کتاب‌سرا، ۱۳۷۵، ص ۲۸.

۳. فروزانفر، بدیع الزمان: سخن و سخنوران؛ انتشارات خوارزمی، تهران، بی‌تا، ص ۶۲۷.



خاقانی شناسان آثاری را به خاقانی نسبت داده‌اند. برخی از این آثار به نثر است و بیشتر آن‌ها به نظم. آثار منشور او مجموعه‌ی مکاتیب او به نام منشآت است. آثار منظوم نیز شامل مثنوی تحفه‌العراقین، مثنوی کوتاه ختم‌الغرایب و دیوان اشعار است.

مذهب:

«خاقانی در مذهب بر طریقه‌ی تسنن و پیرو امام شافعی بوده است. این معنی از اشعارش بر می‌آید و در موارد بسیاری از طریقه‌ی تسنن و احکام آن سخن گفته و علاوه بر این ائمه شافعی مانند محمد بن عیسی و محمد اسعد حنفی و مانند آنها را مدح گفته یا در مرثیه‌ی آنان شعر سروده است.»^۱

خاقانی در مذهب، تعصب دارد و اگرچه در بعضی موارد از خشکی و قشری بودن اجتناب می‌ورزد و روش صوفیان را پیش می‌گیرد و می‌ستاید، ولی گاهی تعصب و تحجر خود را نشان می‌دهد و در مواردی در اشعار خود بر باده پرستان خرده می‌گیرد.^۲ و تنها راه نجات را آداب و سنن دینی و طریق و احکام شرع می‌داند، چنان که می‌گوید:

قرآن شفانشناس که حبلی است متین سنت نجات دان صراطی است مستقیم

دیوان، ص ۳۱*

۱. دیوان خاقانی، تصحیح سجادی، ص ۲۶.

۲. سخن و سخنوران، ص ۳۱۶.

* ابیات قید شده در کلیات، از دیوان خاقانی تصحیح سجادی است.



اخلاق خاقانی:

خاقانی شاعریست آزاده، بلندنظر، دارای احساسات لطیف و عالی و همت بلند و مردی است کامل. احساسات لطیف او درباره‌ی خانواده و دوستانش سبب زودرنجی او شده و غالباً با اندک چیزی از نزدیکترین کسانی رنجیده و دل شکسته شده است. او هرگز پای بند نان و جاه و مال نبوده و نزد شاهان به تکدی نپرداخته است. بلکه به آبرو و عزت نفس و شهرت و نام بلند و افتخار بیشتر اهمیت می‌داده و به این معانی بارها اشاره کرده است. مثلاً می‌گوید:

ما دحیم گاه سخن بی نظیر	در طلب نان نه در بند نان
طمع نبینی به سر طبع من	پیل که بیند به سر نردبان
زیمن منتحل سخنانم مبین	زیمن متشاعر لقبانم مدان

دیوان، ص ۳۱

اگر اشعار خاقانی^۱ را به دقت مورد مطالعه قرار دهیم دو صفت بارز در آنها آشکار میشود یکی تفاخر و مناعت و بلندنظری است، چنانکه می‌بینم خود را از بزرگترین شعرای قدیم از عرب و عجم برتر شمرده و دیگر زودرنجی و گله‌گزاری او از مردم روزگار به جز عذر و ستم چیزی ندیده و جز غم و رنج از زمانه نیافته. مثلاً می‌گوید:

تا جهان است از جهان اهل وفائی برنخاست	نیک عهدهی برنیامد آشنائی برنخاست
گسوئی اندر کشور ما بر نمی‌خیزد وفا	یا خود اندر هفت کشور هیچ جائی برنخاست.

دیوان، ص ۳۱

۹-۱. سبک شعر خاقانی

در قرن ششم سه مکتب شعری در ایران دایر بود:

۱- سبک خراسانی: هنوز کسانی (مثلاً معزی و ادیب صابر) کم و بیش به همان سبک کهن قصیده می‌گفتند. این شاعران معدودند و نقش مهمی ندارند.

۲- سبک آذربایجانی: یعنی شعری که در حوزه آران پیدا شد و نمایندگان آن خاقانی و نظامی و مجیر و فلکی هستند. سبک آذربایجانی هر چند سبک مستقلی است اما می‌توان بنیاد زبانی آن را همان زبان کهن فارسی یعنی زبان سبک خراسانی دانست اما از نظر فکر و مختصات ادبی بیشتر به سبک عراقی نزدیک است.

۳- سبک جدید بینابین یا سبک عهد سلجوقی: سبکی است بین خراسانی و سبکی که بعدها شکل می‌گیرد و به آن سبک عراقی می‌گویند. شاعران این دوره مانند انوری و ظهیر دو جنبه‌ی هستند هم قصیده می‌گویند و هم غزل. غزل آنان متمایل به سبک عراقی و قصیده آنان متمایل به سبک خراسانی است بدون آن که دقیقاً این و آن باشد. باید توجه داشت که قصیده‌پردازان دوره غزنوی از قبیل عنصری و فرخی و منوچهری ... غزلپرداز نبودند و اگر احیاناً در دیوان آنان

۱. شمیسا، سیروس، سبک شناسی، ج ۳، ص ۴۸-۴۹.



اشعاری شبیه به غزل دیده می‌شود معلوم نیست غزل است یا تغزل‌هایی که قسمت مدح آن سروده نشده یا از بین رفته است، به هر حال غزل‌هایی ابتدایی هستند که همان اسلوب تغزل را دارند.^۱

خاقانی متعلق به سبک آذربایجانی (آرآنی)*، سبک شاعران حوزه شمال غربی ایران یعنی منطقه اران و آذربایجان است. پیشگام و رئیس این سبک ادبی «ابوالعلای گنجوی» است و از دیگر شاعران این سبک می‌توان به مجیرالدین بیلقانی (۵۷۷ هـ)، فلکی شروانی (۵۸۷ هـ)، و نظامی (۵۹۹ هـ) اشاره نمود. مختصات شعری شاعران این سبک از نظر ساختار زبانی، همان زبان خراسانی است، اما از نظر فکر و مختصات ادبی با هم متفاوت هستند و به نظر می‌رسد اصطلاح «سبک بینابین» یا «سبک فنی» برای شعر شاعران قرن ششم، اصطلاحی درست و مناسب باشد.^۲

خاقانی شاعری است مبتکر و صاحب سبک، او خود را در چارچوب قید و بندهای زمانه‌اش محدود نمی‌کند و بر گرد تصویرهای کلیشه‌ای دیگران نمی‌گردد. خاقانی خمیرمایه‌های شعرش را از محیط زندگی و اجتماعی و فرهنگی و طبیعت خود می‌گیرد و سپس با ذهن آفریننده و آگاهی آنها را از حد ابتذال بیرون آورده و بر آنها لباسی از حرکت و پویایی می‌پوشاند و به گفته خود، «پیرایه کهنه مطرا کرده»* است.

از مختصات ادبی شاعران این سبک می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- فاضل‌نمایی و اشاره به علوم مختلف و بهره‌گیری از اصطلاحات علمی و فلسفی در زمینه‌های گسترده.
- وجود تلمیحات گوناگون از جمله آداب و رسوم مسیحیت.
- اشاره به فولکلور و عقاید عامیانه از جمله طب و نجوم و جانورشناسی عامیانه.
- تبدیل لحن حماسی شاعران به زبان مفاخره و خودستایی.
- گسترش شعر هجو در میان شاعران.
- تقلید از عرفان سنایی غزنوی در شعر.
- ایران دوستی و توجه به معارف ایران باستان.
- اهتمام به صنایع لفظی و معنوی.
- تعقید در کلام و نیاز شعر شاعران این سبک به شرح و تفسیر.
- همسویی بسیاری از شاعران این سبک با مضمونهای شعری شاعران عرب.
- اشتیاق به صورت‌گریها و نقاشی‌های غریب و تازه که نمونه بارز آن را در شعر خاقانی می‌بینیم.
- حرص و ولع به موسیقی کلام.

^۱. شمیسا، سیروس، سبک‌شناسی شعر، انتشارات فردوس، چاپ دوم، تهران ۱۳۷۵، ص ۱۰۷ و ۱۰۸.

* اصلاح آذربایجانی هر چند مصطلح شده است دقیق نیست زیرا جغرافی نویسان قدیم، پایین رود ارس را آذربایجان و بالای آن را، اران و شروان می‌خواندند. (رک. سیروس شمیسا، سبک‌شناسی شعر، ص ۱۸۶)

^۲. همان، ص ۱۴۲.

* «سخن پیرایه‌ی کهنه است و طبع من مطراگر / مرا بنمای استاری کز این سان کهنه آراید».



- وفور ترکیبات نو و فقدان برخی از لغات سبک خراسانی.

- افزایش استفاده از لغات ترکی.^۱

خاقانی، «شاعری است که به علت دشواری ابیاتش از سبکی خاص و به اصطلاح شخصی بهره می‌گیرد. مختصات اصلی شعر شاعر شروان همان مواردی است که در شعر دیگر شاعران قرن ششم دیده می‌شود. وصف صبح، مفاخره و خودستایی، هجو و بدزبانی، تلمیح به رسوم و فرهنگ عامه و ادیان دیگر بخصوص مسیحیت، و تلمیح به دانش‌ها و علوم گوناگون از قبیل فلسفه، طب و نجوم، موسیقی پرطنین در شعر، استفاده از تمثیل و به کارگیری صنایع لفظی و معنوی، اشتیاق به تصویر آفرینی و همسویی با بسیاری از شاعران عرب، از خصوصیات برجسته سبک شعری شاعر شروان می‌باشد.»^۲

مؤلف «رخسار صبح» درباره شیوه شاعری خاقانی چنین می‌نویسد: «از دیدی گسترده، خاقانی در سخنوری پیرو دبستانی است در شعر فارسی که آن را «شعر فنی» نامیده‌اند. شعر فنی شعری است هنرورانه، برساخته و آراسته که آن را گاه شعر مصنوع و متکلف نیز خوانده‌اند.»^۳

خاقانی شاعری است که از روزن شعر به جهان می‌نگرد و هر چیز را در پندار خویش به شعر تبدیل می‌کند. خاقانی همواره به دنبال قلمروهایی نکاویده است و شیوه شاعری خود را شیوه خاص و تازه می‌داند^۴ شیوه‌ایی که در میان پیشینیان فقط «عنصری»^{*} آن را دارا بوده است:

مرا شیوه خاص و تازه است، هـمان شیوه باستان عنصری

دیوان، ۱۲۴۸/۲

با مراجعه به دیوان خاقانی و تأمل در اشعار او می‌توانیم به این مسائل در شعر او دست یابیم:

۱- التزام ردیفهای دشوار، ردیفهایی چون؛ دیده‌اند، افشاندند، آمیخته‌اند، خواهیم فشاند، به خراسان یابم، صفاهان، صبحگاه، شوم انشاءالله، ری.

در حقیقت شعر خاقانی اوج بازی با ردیف است و پس از او دیگران از همین حدود تجاوز نمی‌کنند با این تفاوت که او کاملاً از عهده ادای فکر و مضامین خود برآمده است اما مقلدان وی اغلب دچار یاوه‌گویی شده‌اند.^۱

^۱ . سبک شناسی شعر، ص ۱۳۳، نیز: محمد فاضلی، دیداری دیگر با خاقانی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، شماره اول و دوم (۱۲۸-۱۲۹)، بهار و تابستان ۱۳۷۹، نیز: سخن و سخنوران، ص ۶۱۹.

^۲ . سبک‌شناسی شعر، ص ۱۴۸.

^۳ . کزازی، میرجلال‌الدین، رخسار صبح، ص ۱۷۶.

^۴ . همان، ص ۱۸۳.

* ابوالقاسم حسن بن احمد عنصری بلخی، بزرگترین استاد قصیده پرداز و مدح سرای قرن پنجم است که خاقانی بارها در شعرش به پیروی از شیوه او افتخار نموده است. عنصری به سال ۴۳۱ هـ ق وفات یافته است. (ر.ک. سخن و سخنوران، ص ۱۱۳).



۲- بهره‌گیری از اصطلاحات علمی در زمینه‌های مختلف چون پزشکی، نجوم، ریاضیات و فلسفه؛ خاقانی با توانایی علمی خود توانسته است تا مسائل علمی را نرم کند و فروغ شعر بر آنها بتابد. از مزایای این آشتی و یگانگی، «یکی خارج کردن ادبیات از انزواطلبی و تک بعدگرایی است و کمک به توسعه آگاهی و معلومات عمومی دوستداران ادب می‌باشد و دیگر تراش تازه‌ی برخی از نمادها و سمبل‌های کهنه در نزد اوست که باعث عمق و لطافت شعر او شده است.»^۲

۳- اشتیاق به تصویر آفرینی، تفسیر معانی، حرص و ولع به موسیقی کلام و وصف پدیده‌های گوناگون بخصوص وصف صبح، ستایش کعبه و پیامبر، خودستایی و خودشیفتگی، و تجلی شاعرانه اساطیر در شعر او، از ویژگی‌های سبک شعری خاقانی می‌باشد.^۳

۱-۱. علل دشواری شعر خاقانی:

با تأمل در شعر شاعران قرن ششم می‌توان دریافت که سُرّایندگان این عصر از روشنی و صراحت در کلام عدول کرده، و به نظر می‌رسد علت‌های آن به واسطه تأثیر محیط و سیر تکامل طبیعی و نفوذ فکری و معنوی ادبیات عرب و گسترش علوم در ادبیات بوده است، و از طرفی توجه به عبارت پردازی و لفاظی در این عصر وسیله‌ای جهت نشان دادن مراتب فضل و کمال بوده است.^۴ بنابراین دشواری شعر خاقانی شروانی نمی‌تواند خارج از این عوامل باشد. «البته خاقانی معانی و افکارش ساده و متعارف است، اما طوری آنها را در لفظها و ترکیبهای پیچیده محدود می‌کند که غامض و دشوار جلوه می‌کنند، از این رو شعر او نیاز به شرح و توضیح دارد.»^۵

از دیگر دلایل دشواری شعر او می‌تواند این باشد که: «خاقانی از روزن شعر به جهان می‌نگرد و از دیدگاه او هر چیزی می‌تواند بستر اندیشه شعری باشد؛ دانشها، هنجارهای فرهنگی و اجتماعی، افسانه‌ها، بازیهای گوناگون، حتی بازیهای کودکانه. از این رو اطلاق عنوان «شعر فنی» بر شعر خاقانی می‌تواند عنوان مناسبی باشد، چرا که شعر فنی، شعری آراسته و آذین بسته و هنر ورزانه است.»^۶

از علت‌های دیگر دشواری شعر خاقانی را می‌توان مرتبط با قدرت و طبع و آفرینندگی شاعر، وسعت قوه‌ی تخیل و تصور، فراوانی تشبیه و استعاره و ردیفهای دشوار دانست.^۷

۱. شفیع کدکنی، محمدرضا، موسیقی شعر، چاپ دوم، تهران، ۱۳۶۸، ص ۱۵۳.

۲. فاضلی، محمد، پیشین، ص ۷۰.

۳. ر.ک. صفا، ذبیح الله، پیشین، ص ۷۸۴، فروزانفر، بدیع الزمان، پیشین، ص ۶۱۴، شمیسا، سیروس، پیشین، ص ۱۴۲.

۴. مؤتمن، زین العابدین، تحول شعر فارسی، چاپ سوم، تهران، زبان و فرهنگ ایران، ۱۳۵۵ هـ.ش، ص ۱۳۹.

۵. همان، ص ۱۴۴.

۶. رخسار صبح، ص ۱۸۳.

۷. اردلان جوان، علی، تصویرهای زیبا در اشعار خاقانی، چاپ اول، تهران، پازنگ، ۱۳۷۴، صص ۱۳ و ۱۰.



روش شناسی و یافته ها

با توجه به بررسی‌هایی که از این تحقیق حاصل آمد، به این نتیجه می‌رسیم که خاقانی به گل‌ها و گیاهان و در کل عناصر طبیعت بسیار توجه داشته و از هر یک به عنوان نمادی در اشعارش استفاده کرده است. او علاوه بر تصویرسازی و هنرنمایی‌های شاعرانه، مانند دانشمندی از طریق عناصر طبیعت علوم خود را به رخ خواننده کشیده و زیرکانه در لابه‌لای هر کدام از آنها این علوم را جای داده است و افق دید خواننده را نسبت به خود بالاتر برده و خود را متفاوت و برتر از دیگران، به ما نمایانده است.

وی شاعری است که فقط از یک بعد به مسائل اطرافش نمی‌نگرد، بلکه ابعاد مختلفی را در زمینه‌ی علوم گوناگون در شعرش به کار برده و جایگاه رفیعی را برای خود برپا ساخته است.



جدول ۴-۱ تعداد گیاهان در قصاید خاقانی

ردیف	نام گیاه	تعداد ابیات	درصد
۱	خار	۲۲	۱۱/۹۵
۲	نی	۲۲	۱۱/۹۵
۳	زعفران	۱۸	۹/۷۸
۴	ریحان	۱۵	۸/۱۵
۵	سبزه	۱۵	۸/۱۵
۶	گندنا	۹	۴/۸۹
۷	چمن	۷	۳/۸۰
۸	سداب	۷	۳/۸۰
۹	گیا	۷	۳/۸۰
۱۰	درمنه	۶	۳/۲۶
۱۱	ضیمران	۶	۳/۲۶
۱۲	خس	۵	۲/۷۱
۱۳	خیزران	۴	۲/۱۷
۱۴	گلبن	۴	۲/۱۷
۱۵	کاه	۴	۲/۱۷
۱۶	مردم گیا	۴	۲/۱۷
۱۷	حنظل	۳	۱/۶۳
۱۸	سپند	۳	۱/۶۳
۱۹	سیر	۳	۱/۶۳
۲۰	گشنیز	۳	۱/۶۳
۲۱	کوکنار	۳	۱/۶۳
۲۲	نیشکر	۳	۱/۶۳
۲۳	بیروح	۳	۱/۶۳
۲۴	بهمن	۱	۰/۵۴
۲۵	پلپل یا فلفل	۱	۰/۵۴
۲۶	زربر	۱	۰/۵۴
۲۷	زیره	۱	۰/۵۴
۲۸	ریوند	۱	۰/۵۴
۲۹	شنبلید	۱	۰/۵۴
۳۰	گیابن	۱	۰/۵۴
۳۱	کرفس	۱	۰/۵۴
۳۲	مهرگیا	۱	۰/۵۴



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

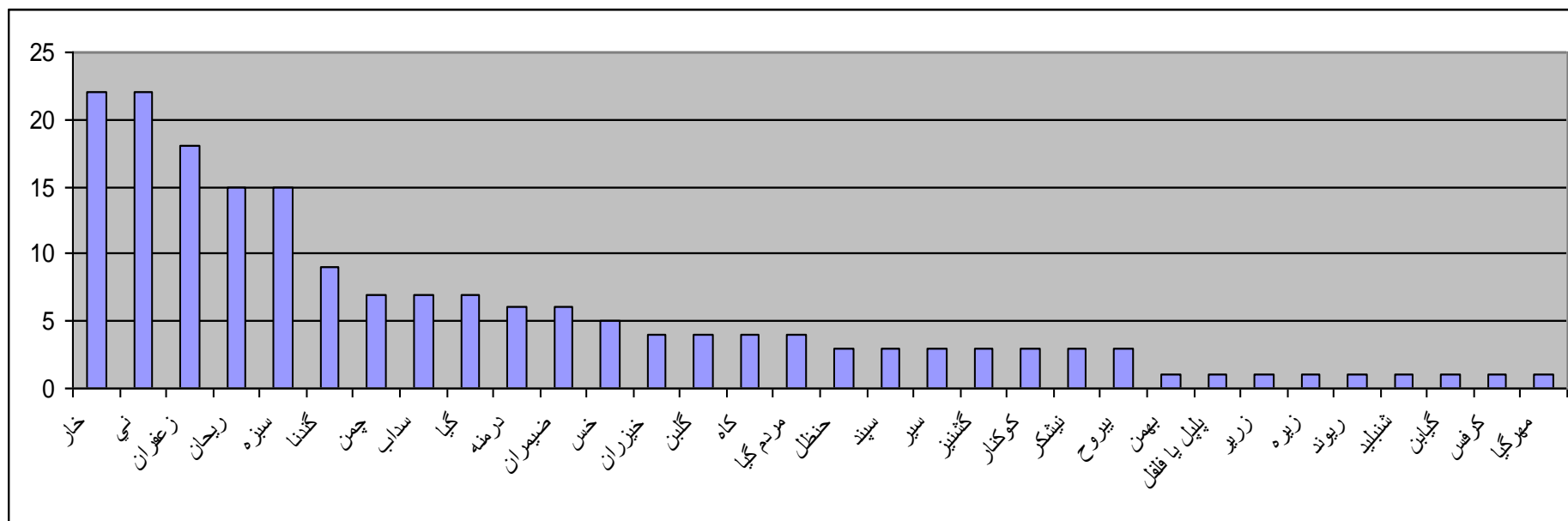


ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

	۱۸۴		مجموع
--	-----	--	-------



نمودار ۱-۴ تعداد گیاهان در قصاید خاقانی

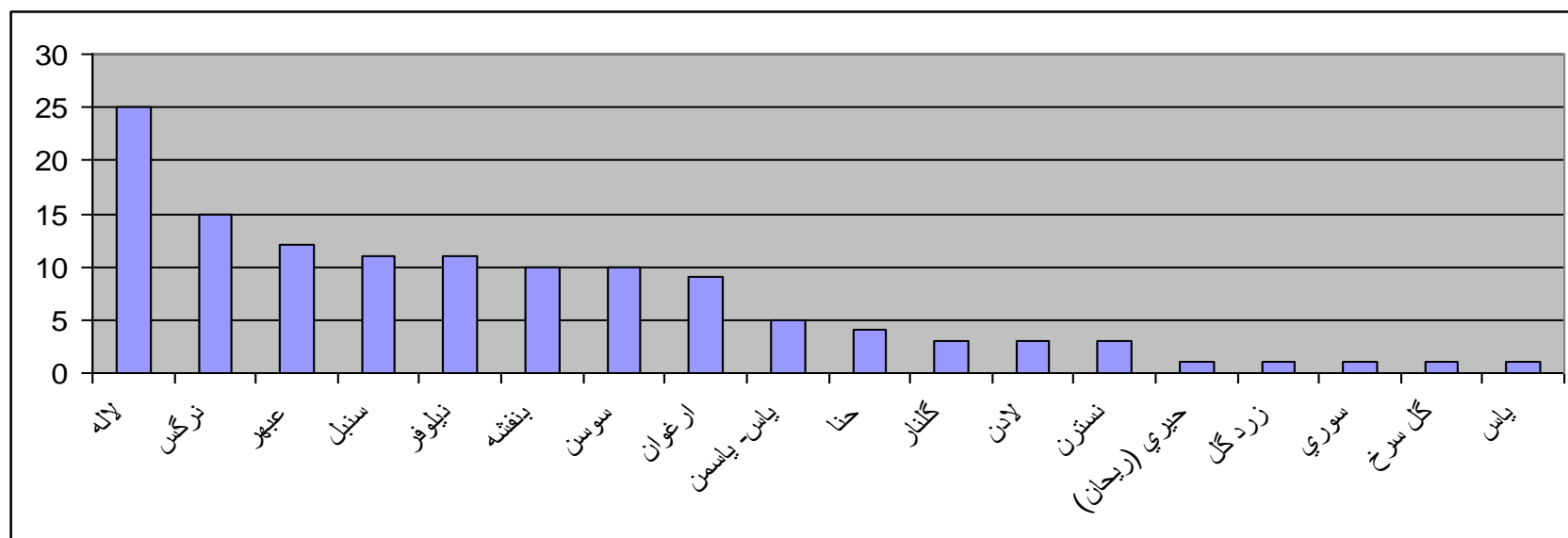




ردیف	نام گل	تعداد ابیات	درصد
۱	لاله	۲۵	۱۸/۶۵
۲	نرگس	۱۵	۱۱/۱۹
۳	عبهر	۱۲	۸/۹۵
۴	سنبل	۱۲	۸/۹۵
۵	نیلوفر	۱۱	۸/۲۰
۶	بنفشه	۱۰	۷/۴۶
۷	سوسن	۱۰	۷/۴۶
۸	ارغوان	۹	۶/۷۱
۹	سمن	۶	۴/۴۷
۱۰	یاسمن	۵	۳/۷۳
۱۱	حنا	۴	۲/۹۸
۱۲	گلنار	۳	۲/۲۳
۱۳	لادن	۳	۲/۲۳
۱۴	نسترن	۳	۲/۲۳
۱۵	حیبری (ریحان)	۱	۰/۷۴
۱۶	زرد گل	۱	۰/۷۴
۱۷	سوری	۱	۰/۷۴
۱۸	گل سرخ	۱	۰/۷۴
۱۹	یاس	۱	۰/۷۴
۲۰	سوری	۱	۰/۷۴
مجموع		۱۳۴	



نمودار ۲-۴ تعداد گل‌ها در قصاید خاقانی

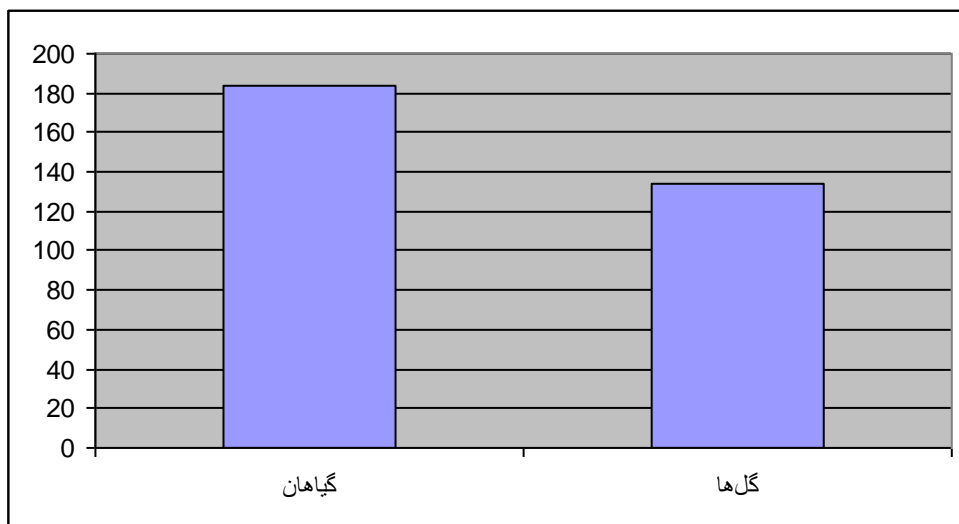




جدول ۳-۴ تعداد گل‌ها و گیاهان در ۸۰۱۴ بیت خاقانی

ردیف	نام گل	تعداد ابیات	درصد
۱	گیاهان	۱۸۴	۵۷/۸۶
۲	گل‌ها	۱۳۴	۴۲/۱۳
مجموع		۳۱۸	

نمودار ۳-۴ تعداد گل‌ها و گیاهان در ۸۰۱۴ بیت خاقانی





منابع

- ۱- ابریشمی، محمدحسین، زعفران از دیرباز تا امروز، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۳.
- ۲- اردلان جوان، علی، تصویرهای زیبا در اشعار خاقانی، تهران، پاژنگ، ۱۳۷۴.
- ۳- اکبرزاده، محمدعلی، رنگ و تربیت، انتشارات مشیا، تهران، ۱۳۷۵.
- ۴- امینی، امیر، فرهنگ گیاهان دارویی، چاپ پنجم، انتشارات رستم‌خانی، ۱۳۸۲.
- ۵- تبریزی، محمدحسین بن خلف (متخلص به برهان)، برهان قاطع، اهتمام محمد معین، انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم، ۱۳۶۸.
- ۶- خرماهی، بهاء‌الدین، حافظ‌نامه، شرح الفاظ، اعلام، مفاهیم کلیدی در ابیات دشوار حافظ، بخش اول، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۲.
- ۷- دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، سازمان چاپ لغت‌نامه، دانشگاه تهران، ۱۳۲۴-۱۳۶۲.
- ۸- رنگچی، غلام‌حسین، گل و گیاه در ادبیات منظوم فارسی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه)، تهران، ۱۳۷۲.
- ۹- سجادی، سید ضیاء‌الدین، گزیده‌ی اشعار خاقانی شروانی، چاپ سوم، انتشارات سپهر، ۱۳۶۳.
- ۱۰- سجادی، ضیاء‌الدین، دیوان خاقانی، انتشارات زوار، تهران، ۱۳۸۵.
- ۱۱- شفیعی کدکنی، محمدرضا، موسیقی شعر، چاپ دوم، انتشارات آگاه، تهران ۱۳۶۸.
- ۱۲- شمیسا، سیروس، سبک‌شناسی شعر، انتشارات فردوسی، تهران، ۱۳۷۵.
- ۱۳- صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات ایران، انتشارات فردوسی، تهران، ۱۳۴۶.
- ۱۴- عبدالرسولی، علی، تصحیح دیوان خاقانی، انتشارات کتابخانه‌ی خیام، تهران، ۱۳۵۷.
- ۱۵- فاضلی، محمد، دیداری دیگر با خاقانی، مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی مشهد (شماره‌ی اول و دوم)، بهار و تابستان، ۱۳۷۹.
- ۱۶- فروزانفر، بدیع‌الزمان، تحول شعر فارسی، چاپ سوم، انتشارات زبان و فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۵۵.
- ۱۷- فروزانفر، بدیع‌الزمان، سخن و سخنوران، انتشارات خوارزمی، چاپ دوم، ۱۳۵۰.
- ۱۸- قریب، یحیی، تحفه‌العراقین، افضل‌الدین بدیل، خاقانی، تهران، ۱۳۳۲.
- ۱۹- کزازی، میرجلال‌الدین، دیوان خاقانی، نشر مرکز، تهران، ۱۳۸۵.
- ۲۰- کزازی، میرجلال‌الدین، گزارش دشواری‌های شعر خاقانی، نشر مرکز، تهران، ۱۳۸۵.
- ۲۱- کزازی، میرجلال‌الدین، رخسار صبح، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۲.
- ۲۲- کندلی هرسپیچی، غفار، خاقانی شروانی حیات، زمان، محیط او، ترجمه‌ی میرهدایت حساری، مرکز نشر تهران، چاپ اول، ۱۳۷۶.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

- ۲۳- گرامی، بهرام، گل و گیاه در هزار سال شعر فارسی، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۸۶.
- ۲۴- ماهیار، عباس، گزیده‌ی اشعار خاقانی، نشر قطره، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۳.
- ۲۵- ماهیار، عباس، شرح مشکلات خاقانی ثری تا ثریا، انتشارات جام گل، کرج، ۱۳۸۲.
- ۲۶- مؤتمن، زین‌العابدین، تحول شعر فارسی، چاپ سوم، تهران، انتشارات زبان و فرهنگ ایران، ۱۳۵۵.
- ۲۷- محمودی بختیاری، علی‌قلی، خاقانی در دیوان مدائن، انتشارات کتاب‌سرا، ۱۳۷۵.
- ۲۸- محمد پاشاه، محی‌الدین، بن غلام، فرهنگ آندراج، زیر نظر محمد دبیر سیاقی، انتشارات خیام، ۱۳۳۵.
- ۲۹- معین، محمد، فرهنگ معین، انتشارات بهزاد، تهران، ۱۳۸۲.
- ۳۰- معدن‌کن، معصومه، نگاهی به دنیای خاقانی، تهران مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۵.
- ۳۱- وزیری الهی، غلام‌رضا، گل‌کاری عملی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۸۴.
- ۳۲- یاحقی، محمد جعفر، ناصر، محمد مهدی، راهنمای نگارش و ویرایش، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۲.